

در پی معانعت از سخنرانی سالانه رئیس‌جمهور آمریکا در کنگره ترامپ سفر نانسی پلوسی به افغانستان را به حالت تعلیق در آورد

## باشگاه مشت‌زنی در واشنگتن!

صفحه ۱۵

شنبه ۲۹ دی ۱۳۹۷ ■ ۱۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۰ ■ ۱۹ ژانویه ۲۰۱۹ ■ سال یازدهم ■ شماره ۲۶۳۶ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



انتقاد موسی غنی‌نژاد، اقتصاددان اصلاح‌طلب از سیاست‌های اقتصادی دولت روحانی

## تورم را خود دولت به وجود آورد

صفحه ۳

VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.11 ■ No.2636 ■ Sat.Jan.19, 2019 ■ ISSN:2008-2886

۱۱۸۰ سال و ۶۵ روز گذشت

### تیتربهای امروز

انتقادهای نسبت به عواقب و خطرات استانی شدن انتخابات مجلس افزایش یافت

## تحدید بهارستان



صفحه ۲

شرکت سایپا که ۲ هفته پیش محصولات خود را گران کرده بود ۲ روز پیش قیمت‌های جدیدتری را اعلام کرد

## سایپا مطمئن در گرانی!

صفحه ۳

درباره پیش‌زمینه نظری فاز نظامی منافقین

## ترور یسم خیابانی علیه خلق

صفحات ۱۱۶

- برای کی‌روش و حاشیه‌های اظهارات جنجالی‌اش در میانه جام‌ملتها بگذار دل‌مان برایت تنگ شود
- **مهدی تاج:** سرمربی و بازیکن و فدراسیون همه خودشان را خادم مردم بدانند
- **کی‌روش:** ما تا آخر برای خدمت به مردم ایران خواهیم جنگید
- **یک نکته زبانی** درباره مصاحبه کارلوس کی‌روش و ترجمه‌اش
- **سعودی در سیاسی‌ترین بازی جام** به قطر باخت

صفحه ۱۴

### روژنه

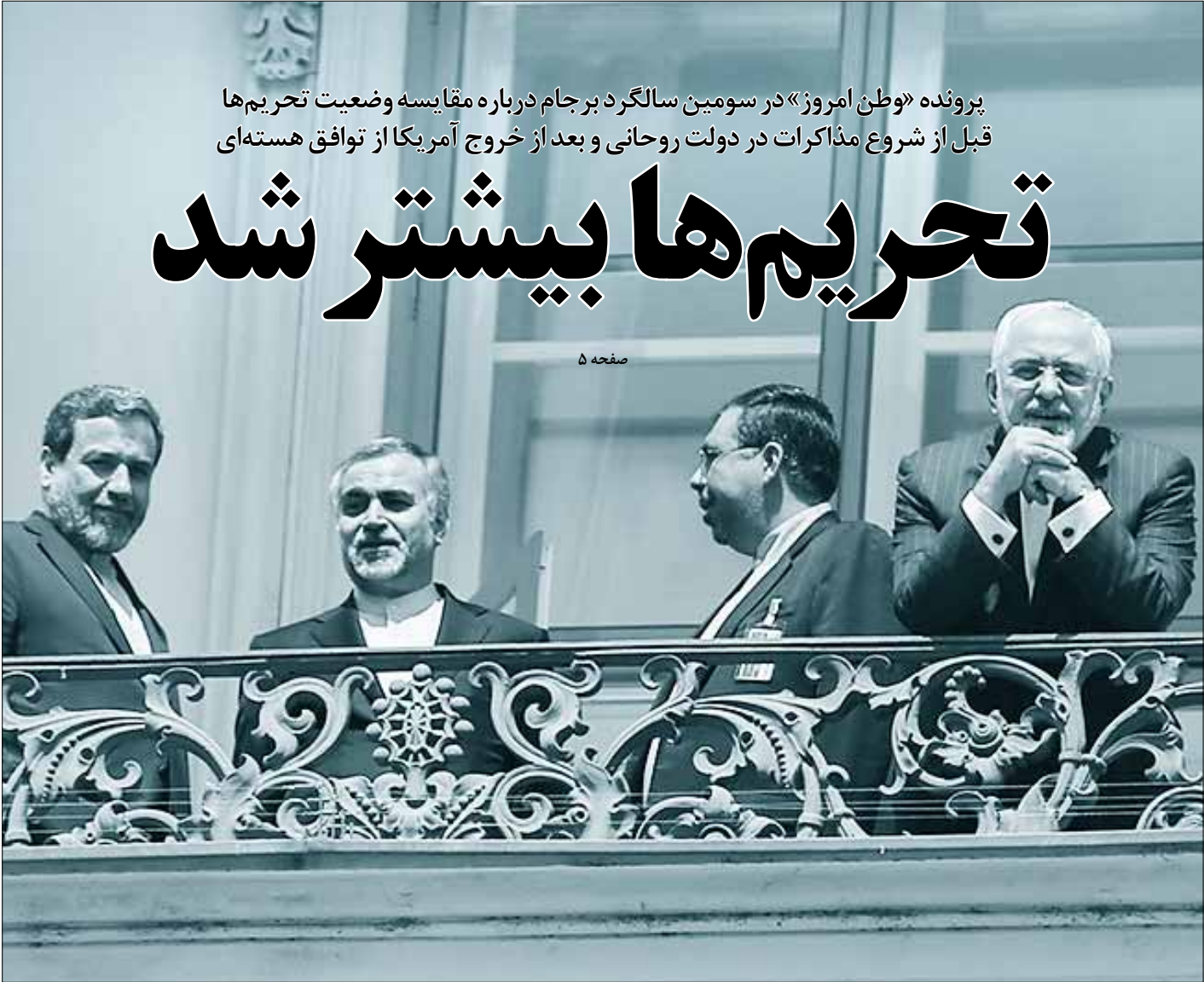
## دولت دوست دارد به خودش کمک کند واقعا؟!

■ علی‌روزبه ■

در اینکه در وضعیت کنونی همه باید به دولت کمک کنند تا بر مشکلات اقتصادی غلبه کند، شکی نیست. دولت، برآمده از آرای مردم است و نماینده اجرائی نظام جمهوری اسلامی! همان جمهوری اسلامی که امثال شهید بهشتی، شهید شهرباری و شهید حججی با فراغ بال برای تثبیت، پیشرفت و امنیتش جان داده و می‌دهند و چه غلط است اگر کسی فکر کند امثال شهید حججی، شهید شهرباری و شهید بهشتی به معضلات موجود کشور در زمان شهادت‌شان، آگاهی نداشته و برای یک جمهوری اسلامی فضایی که همه چیزش سر جایش است، جان شیرین فدا کرده‌اند! فی‌الحال اما سوال این است: آیا دولت هم دوست دارد به خودش کمک کند؟! یکی از جاهایی که این سوال یک لحظه هم درست از سر آدم برنمی‌دارد، زمانی است که تصمیم می‌گیرد سری به بازار بزند. دولت خوب می‌داند در این وضعیت اقتصادی، آنچه بیش از همه اهمیت دارد، قیمت ارزاق عمومی و مایحتاج روزانه مردم است. با این وجود، آدم هر روز که برای خرید بیرون می‌رود، شاهد رشد قیمت‌هاست! چرا واقعا؟!

دولت با این همه دم و دستگاه و تشکیلات، توانایی کنترل بازار را ندارد یا دوست ندارد بازار را کنترل کند؟! آیا اراده مرکزی دولت بر کنترل قیمت‌هاست ولی کسانی در میانه راه اختلال می‌کنند تا به نارضایتی مردم از نظام دامن بزنند؟! واقعا قضیه چیست که نوعی رهاشدگی در بازار حس می‌شود؟ معاون اول رئیس‌جمهور ابتدای خردادماه ۹۷ اعلام کرد: «امروز برای ما قابل قبول نیست که هیچ کالایی به بهانه قیمت ارز افزایش یابد، چرا که هر واردکننده‌ای که بخواهد کالا به کشور بیاورد می‌تواند با ثبت سفارش ارز به قیمت ۴۲۰۰ تومان دریافت کند». بررسی قیمت کالاهای منتخب دولت برای گرفتن دلار ۴۲۰۰ تومانی اما حالا پس از ۸ ماه نشان می‌دهد این کالاهای فارغ از دریافت ارز دولتی، هر چه پرمصرف‌تر بوده، افزایش قیمت بیشتری را تجربه کرده‌اند! آیا معنای این واقعیت تلخ، چیزی جز بی‌تدبیری و قصور روشن مسؤولان امر است؟! اگر هست، کسی بیاید توضیح دهد تا ما هم روشن شویم!

ادامه در صفحه ۱۲



صفحه ۵

پرونده «وطن امروز» در سومین سالگرد برجام درباره مقایسه وضعیت تحریم‌ها قبل از شروع مذاکرات در دولت روحانی و بعد از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای

# تحریم‌ها بیشتر شد

در سومین سالگرد برجام

## با آقای روحانی در زمینه رفتار ابرها موافقم!

برگردیم و نیک‌بگنریمی اعضای دولت راستگوییان و باسوادان حالا در ۳ سالگی برجام‌شان، در این باره چه می‌گویند؟ محمدجواد ظریف اخیرا در گفت‌وگو با روزنامه خراسان گفته است: «به دلیل فشارهای برخی محافل داخلی که می‌خواستند فرایند برجام طی شود، دولت مجبور شد سرنوشت برجام را با اوضاع اقتصادی مردم گره بزند تا مطالبات را برای انعقاد توافق بالا ببرد!» معنای این سخن، آیا چیزی جز استفاده ابزاری و غیراخلاقی از مردم برای انعقاد قراردادی است که اقتصاد ملی ما را به نقطه کنونی رسانده است؟!

خوبی این سخن آقای ظریف اما این است که به ما ثابت می‌کند معادله ابر برجام ایدا به سسختی معادله ابرهای منطقه تنگ چابهار نیست و برجام اساسا آمده تا از روی اقتصاد رد شود، نه اینکه بارانش را بر سر اقتصاد ببارد تا آنچنان رونق اقتصادی ایجاد کند که ادامه‌اش را خودتان بهتر می‌دانید! چرخش همزمان چرخ زندگی مردم و چرخ سانتریفیوژها هم درست مانند تلاقی کویر و دریا می‌ماند لابد! و برجام در این باره هم متحیر مانده که باید کدام را بتن‌ریزی... ببخشید، بچرخاند! در ۳ سالگی اجرای برجام تازه وزیر امور خارجه‌مان به ما می‌گوید هدف این معاهده اساسا اقتصادی نبود و من چقدر دلم

وقتی می‌بیند «دلار جهانگیری» با ارزش پول ملی چه کرده، معلوم است بر کویر اقتصاد ما نمی‌بارد و این حرف‌هم کاملا جدی است! و چه باکی دارم من از اینکه وقتی «به نظر آقای روحانی در زمینه فرایند حرکت ابرها موافقم»، در حرف‌های جدی خودم هم به آن استناد و بر اساس آن استدلال کنم به نظر شما؟! مگر نه اینکه بی‌سوادها باید از باسوادها چیز یاد بگیرند؟! آخر این روضه اما بگنارید بگویم خنده‌دارتر از ابرهای متحیر منطقه تنگ چابهار، ما هستیم. همین مایی که چنین راحت و درست مثل ماست(!) ظریف را برای‌مان امیر کبیر می‌کنند و ما هم فقط زدییم و رقصیدیم!

همین مایی که روزانه می‌بینیم غرب وحشی و استعمارگر با مردم عراق، لیبی، یمن و افغانستان و آفریقا چه می‌کند ولی فکر می‌کنیم وقتی به طرفداران آنها در انتخابات رای بدهیم، به نشانه دوستی لب ما را خواهند کشید و شکلات آنچنان رونق اقتصادی کف دست‌مان خواهند گذاشت! ما براسی تا کی قرار است گول این بازی‌ها را بخوریم؟! از چند روز پیش که شنیده‌ام یکی از سران فتنه عامل اصلی استیضاح نشدن عباس آخوندی در مجلس بوده، خدا شاهد است اندک عقل سیاسی که برای وی قاتل بوم هم از نظرم محو شده است. براسی چرا ما باید چشم بسته از چنین افرادی پیروی کنیم؟! در ۳ سالگی برجام، هنوز نمی‌خواهیم این سوال را از خود و جامعه بپرسیم؟!!



از سخن تا به عمل یک قدم است

### یادداشت امروز

## گام بعدی؛ درونی‌سازی مؤلفه‌های فشار

■ مهدی محمدی ■

«برایان هوک» مسؤول بخش ایران در وزارت خارجه آمریکا، در چند هفته گذشته چند بار گفته سیاست جدید این کشور در قبال ایران ۳ رکن دارد:

اول، فشار اقتصادی شدید به ایران، دوم، احیای بازدارندگی منطقه‌ای در مقابل ایران و سوم، آنچه «ایستادن در کنار مردم ایران» نامیده است.

اگر این عبارات را به «زبان واقعیت» ترجمه کنیم، می‌شود اینطور گفت که آمریکا اکنون مشغول ۳ کار است: ایجاد یک نظام جامع فشار اقتصادی بر ایران مبتنی بر تحریم‌ها که به دلیل عدم اجماع در جهان نارس متولد شده، تلاش برای کاستن از بار سرافکندگی فشاری که بر اثر پیروزی محور مقاومت در منطقه گرفتار آن شده و درنهایت توطئه برای ایجاد آشوب درون مردم و اختلاف درون نظام ایران.

در آستانه بهمن ۹۷، می‌توان بااطمینان خاطر گفت اجرای هر ۳ رکن این راهبرد را از بیرون شکست خورده و آمریکایی‌ها درصد «رونی‌سازی مؤلفه‌های فشار» در ایران هستند. این مهم‌ترین موضوعی است که برای هر نوع سیاست‌گذاری در سال ۹۸ باید به آن توجه کرد. برای اینکه مطلب روشن‌تر شود ابتدا باید ببینیم آخرین وضعیت ارکان راهبرد آمریکایی علیه ایران چگونه است.

آمریکا موفق شده به ایران فشار اقتصادی وارد کند اما این فشار برای آنکه محاسبات راهبردی ایران را تغییر داده یا منجر به شورش و کند شدن برنامه منطقه‌ای ایران شود، کافی نیست. دولت ترامپ درک نمی‌کند اساسا گزینه فشار تنها زمانی واقعا کار می‌کند که یک گزینه واقعی مذاکره‌ای در کنار آن وجود داشته باشد. این دولت به گونه‌ای عمل کرده که حتی تندروترین غرب‌گرایان در ایران هم نمی‌توانند مذاکره با ترامپ را به عنوان راه‌حلی برای مشکلات کشور معرفی کنند. با منتفی شدن گزینه مذاکره، در واقع زیر پای راهبرد تحریم هم خالی شده است. گذشته از این، راهبرد جهانی آمریکای ترامپ چنان احقماقانه تنظیم شده که عملا امکان ایجاد یک محاصره جهانی اقتصادی علیه ایران را از واشنگتن سلب می‌کند. واشنگتن از یک سو ایران را تحریم کرده، از سوی دیگر با روسیه، چین، اروپا، ترکیه، اوپک و بسیاری دیگر از بازیگران جهانی و منطقه‌ای که همراهی آنها شرط موثر شدن فشار اقتصادی بر ایران است، منازعاتی عمیق به راه انداخته است. در چنین شرایطی، اگر یک در بسته شود، چند در دیگر باز می‌شود بنابراین ایران هرگز در بن‌بست گرفتار نخواهد شد. این همان چیزی است که برخی منتقدان ترامپ در آمریکا از آن با عنوان «فشار تاتیتیکی و گشایش استراتژیک» برای ایران یاد کرده و می‌گویند در دولت ترامپ کسی که درک راهبردی از وضعیت جهان داشته باشد، وجود ندارد. مهم‌تر از این، تاریخ منازعه راهبردی ۴۵هه گذشته ایران و آمریکا به ما آموخته است تحریم‌ها تنها زمانی اثر راهبردی دارد که مردم نظام و سیاست‌های آن را مقصر بدانند، در حالی که در همه نظرسنجی‌ها، حتی آنها که نهادهای آمریکایی در ایران انجام داده‌اند، کاملا شفاف است که اکنون مردم، آمریکا و ترامپ را مقصر مشکلات خود می‌دانند و هیچ تقاضایی برای سازش در حوزه‌های مدنظر آمریکا میان مردم ایران شکل نگرفته است. بنابراین استراتژی تولید فشار اقتصادی حداکثری بر ایران از طریق اعمال خطی تحریم‌ها به هدف خود که انباشت تقاضای سازش در ایران است، نرسیده است. البته ایران گرفتار مشکلات اقتصادی است اما علت این امر نه تحریم‌های آمریکا، بلکه شکست دولت روحانی در کشورداری، گرفتن پی‌درپی تصمیم‌های اشتباه، تحلیل‌های پر از سوءتفاهم درباره ریشه مسائل اقتصادی و مقصر دانستن متوهمانه منتقدان در مشکلات کشور و نبود مدیریت کلان اقتصادی درون دولت است.

رکن دوم راهبرد آمریکا چیزی است که خود آن را احیای بازدارندگی منطقه‌ای در مقابل ایران می‌خوانند. دولت آمریکا تاکنون قادر به طرح‌ریزی و اجرای هیچ اقدام معناداری برای متوقف کردن برنامه منطقه‌ای ایران نبوده است. در مقالاتی جداگانه به تفصیل در این باره سخن خواهیم گفت، لیکن آنچه اینجا تاکید بر آن اهمیت دارد این است که...

ادامه در صفحه ۱۲